

طرح مطالعاتی «امام انسان»

خلاصه مقاله «پرتوهایی از انقلاب کربلا» از کتاب سفر شهادت

از همان ابتدای خروج امام حسین از مکه نتیجه جنگ روشن و آشکار بود. روشن است که چنین جنگی به هیچ وجه جنگی برابر نیست. در چنین جنگی حتی یک درصد هم احتمال پیروزی امام حسین و زنده ماندن در نبرد با اهل کوفه و لشکر یزید وجود ندارد.

وقتی دید جنگ از نظر کمی نابرابر است، کوشید بعد کیفی آن را بالا ببرد، یعنی کوشید از شهادت خود میوه‌ای بچیند، وجدان امت را بیدار کند، در تاریخ جاودانه شود، عواطف مردم را به جوش آورد، احترام مردم را به سوی خود جلب کند، مظلومیت و بر حق بودن حسین را به مردم نشان دهد تا انقلاب حسین بعدها پیروز شود.

امام حسین شب عاشورا را مهلت گرفت تا نماز بخواند و صفحه‌ای نو در برابر چشمان مردم بگشاید و واقعیت سپاه خود و واقعیت سپاه دشمن را برای همه آشکار سازد.

امام حسین در این شب کوشید اصحاب و اهل بیت و زنان خود را برای ورود مقتدرانه و عزتمندانه و استوار در نبردی حتمی آماده سازد. امام می‌خواست گریه و زاری و هرگونه مظهری را که بیانگر خواری و بیچارگی و ترس است، به طور کلی از آن‌ها دور کند.

امشب نیز تلاش کرد اصحاب خود را غریبال کند، زیرا می‌دانست که سرانجام کشته می‌شوند و نمی‌خواست صبح روز عاشورا که جنگ بالا می‌گیرد، ببیند یکی از یارانش از این سو می‌گریزد و دیگری از آن سو تسلیم می‌شود و یا کسی از ترس بیهوش می‌شود یا گریه می‌کند و دست به دامان این و آن می‌شود. امام حسین نمی‌خواست کار به اینجا کشیده شود. در برخی نقل‌ها و مقاتل آمده است که عده بسیاری از اصحاب امام امشب برگشتند

بی‌تردید چنین صحنه‌ای برای کسانی که آن را می‌دیدند بسیار تأثیرگذار بود، ولی این غریبال شدن باید صورت می‌گرفت، زیرا همان طور که گفتم امام باید وارد نبردی نابرابر می‌شد و، از این رو، می‌خواست نبرد او سراسر افتخار و اقتدار و مردانگی و دلاوری باشد. او فردا نمی‌توانست خواری و فرومایگی را بپذیرد. امام حسین نمی‌خواست فردا وقتی تشنگی بر اصحابش فشار می‌آورد، آنان سر فرود آورند.

امام حسین در این شب به شکلی طبیعی و حساب شده اصحاب خود را یکدست کرد. به دیگر سخن، آنان را غریبال کرد تا مطمئن شود آنانی که مانده‌اند، هریک، حسینی کوچک شده‌اند.

امام حسین این مرحله را پشت سر گذاشت و به سراغ مرحله دشوارتر رفت. مرحله دشوارتر مرحله حضور زنان بود. امام حسین می‌خواهد همان گونه که مردانش استوار و سربلند و قهرمانانه ایستادند، زنان او و زنان

اصحابش نیز با سرفرازی و افتخار و مردانگی بایستند و سر فرود نیاورند و زاری نکنند و تسلیم نشوند. همان‌طور که گفتیم امام حسین می‌خواهد حال که ناگزیر کشته می‌شود، این نبرد، نبرد کیفی و معنوی باشد و دلاوری و جان‌فشانی و اقتدار و شجاعت در همه ابعاد آن آشکار باشد تا کمبود عددی و کمی را جبران کند و در تاریخ جاودانه بماند و عواطف مردم را تکان دهد و احترام و شگفتی آنان را برانگیزد.

امام حسین با چنین مرحله و وضعیت دشواری در این شب روبه‌رو بود. به احتمال بسیار امام امشب تلاش کرد که این مسئله را حل کند. روشن است که حضرت زینب باید نقش خود را به‌خوبی ایفا کند و امام حسین او را به همین منظور با خود آورده بود، وگرنه زینب شوهر داشت و در خانه‌ای جدا از خانه امام حسین زندگی می‌کرد و صاحب فرزند بود. جزو خانواده امام نبود. چرا امام حسین به بردن همسر و خواهران بدون شوهر خود بسنده نکرد و زینب را نیز به همراه آورد؟ زیرا این نقش ویژه در انتظار زینب بود و او باید این نقش را به‌خوبی و با اقتدار ایفا کند.

مصیبت‌های امام حسین با حضرت زینب مشترک بود، ولی بسیاری از مصیبت‌ها فقط به زینب اختصاص داشت. اولین آن‌ها شهادت امام حسین بود. وقتی امام حسین شهید شد، در واقع، زینب همه مصیبت‌های دنیا را در برابر خود دید.

امام حسین و همه خویشان و یاران در برابر چشم زینب کشته شدند و نقش‌های زینب آغاز شد.

زینب پس از مصیبت‌های بی‌شماری که در طول روز به همراه امام حسین (ع) تحمل کرد و همان‌گونه که گفتیم در همه آن‌ها با امام حسین شریک بود، امشب با مشکلات و مصیبت‌های خاص خود روبه‌رو شد. او یتیمان و زنان را جمع کرد و بر زخم‌هایشان مرهم گذاشت و از دشمن برایشان آب درخواست کرد و به آنان آب داد. البته، نمی‌توان این صحنه را امشب وصف کرد. همه این‌ها از وظایف خانوادگی و خویشاوندی زینب در این شب بود.

پس از عمل به آن مسئولیت‌ها اکنون نماز شب می‌خواند. تعجب نکنید برادران، اگر نماز شب زینب نبود، اگر این پیوند قوی میان زینب و خدا نبود، او نمی‌توانست این مصیبت‌های بزرگ را تحمل کند.

گریه زینب این بود: «این قربانی را از ما بپذیر.» یعنی چه؟ یعنی ای مردم، ای کسانی که دلتان را خنک کردید، خیالتان راحت نباشد، آسوده نباشید. هیچ‌کس ما را وادار نکرد به قتلگاه بیاییم و کشته شویم. ما خود آن را خواستیم. خود خواستیم با دادن قربانی از دین خدا دفاع کنیم. ما این قربانی را تقدیم کردیم و اگر بیش از آن را داشتیم نیز تقدیم می‌کردیم. زینب (س) با این رفتار خود محقق کرد رسالتی را که امام حسین بر دوش او گذاشته بود. امام حسین با عزت کشته شد و خواهرش نیز همین نقش را در پیش گرفت و پس از شهادت امام حسین با عزت رفتار کرد.

رسالت مرد بدون مشارکت زن به انجام نمی‌رسد و نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. هیچ مرد با عظمتی در دنیا نیست مگر آنکه پشت او زنی ایستاده باشد. اگر زن تربیت نشود، جامعه نمی‌تواند به موفقیت برسد. همان‌طور که تربیت پسران بر ما واجب است، دختران را نیز باید تربیت کرد.

زینب نه قبيله دارد، نه ثروت و نه لشکر، ولی با خدایی که بزرگ‌تر از آن است که وصف شود، با خدایی که بزرگ‌تر از یزید و قبيله یزید و ثروت یزید و لشکر یزید است، در ارتباط است. زینب چنین احساسی داشت و، از این رو، خود را بالاتر از یزید و بالاتر از آنکه با یزید هم‌سخن شود می‌دید. اگر ما بتوانیم در زنانمان این نوع ایمان و این نوع قدرت روحی را پدید آوریم، می‌توانیم از آنان قهرمان بسازیم.

ما در نبرد بزرگ و سرنوشت‌ساز خود و در مبارزات حیاتی شخصی یا عمومی، نیازمند آنیم که زنانی قهرمان بسازیم تا در خانه‌ها به تربیت فرزندان بپردازند و اگر جنگی رخ داد، گریه و زاری نکنند. ما به چنین زنانی نیاز داریم. بنابراین، در این نبردها چاره‌ای نداریم جز اینکه روح ایمان را در درون خود و زنانمان تقویت کنیم. تقویت ایمان نیز تنها از راه آگاه‌سازی و انجام اعمال دینی امکان‌پذیر است.

زینب(س) تکمیل‌کننده نهضت و قیام امام حسین بود. به‌طور کلی در اسلام، زن تکمیل‌کننده حرکت و رسالت مرد است. از خداوند می‌خواهیم که بتوانیم از این ماه پربرکت استفاده کنیم و فکر می‌کنم عاشورا و عزاداری بر امام حسین و حضرت زینب بهترین فرصت برای تلاش و یا دست‌کم شروع تلاش برای تربیت مردان و زنان است.